

## Jurisprudential Recognition of Paying Diya (Blood Money) in Special Cases from Bait al-Mal

**Ali Farsimadan\***

Assistant Professor, Department of Law and Comparative Jurisprudence, Faculty of Islamic Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

**Enayat Sharifi**

Associate Professor, Department of Islamic Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

### Abstract

Bait al-Mal denotes a collection of public property at Islamic governor's disposal that should be used for the social welfares of Muslims. In Islamic jurisprudence, Bait al-Mal is used for pursuing the goals of Islam. Inasmuch as it is for the benefits of Muslims, paying Diya (blood money) is one of the ways of spending Bait al-Mal. Thus, employing a descriptive and analytical method, the present study attempts to address the special cases in which Diya shall be paid from Bait al-Mal. Furthermore, the article will target the following questions:

1. Who shall be responsible to pay Diya if the judge's mistake brings about death or disability?
2. Is Aqilah (paternal kinship group of the criminal) responsible for murder?
3. Who is responsible for paying Diya if the murderer does not have Aqilah or their Aqilah is not financially capable?
4. If the claimant and the defendant do not have evidence, who is responsible for the victim's Diya?
5. Who is responsible for the victim's Diya if they are killed in a crowd?
6. Who is responsible for the victim's Diya if the murderer escapes or dies?
7. Who is responsible for the victim's Diya if the murderer is unidentified?
8. Who is responsible for the victim's Diya If Laqit commits the crime?
9. Who is responsible for the victim's Diya if they are killed in fitnah (sedition)?
10. What is the verdict if two persons confess to a murder?
11. What is Ha'ishat and what is its decree?
12. What is the sentence for the crimes of a blind person? Shall they be executed?
13. What is the jurisprudential decree of defense against the lunatic's assault?

\* Corresponding Author: a.farsi@urd.ac.ir

**How to Cite:** Farsimadan, A., & Sharifi, E. (2023). Jurisprudential Recognition of Paying Diya (Blood Money) in Special Cases from Bait al-Mal. *Journal of Criminal Law Research*, 12(44), 233-272. doi: 10.22054/jclr.2024.66037.2446

The authors have endeavored to examine paying Diya in special cases through surveying jurisprudential documents and Hadith. For Bait al-Mal is responsible for paying Diya. Considering the review of the related literature, it should be mentioned that due to the significance of this issue, Islamic science scholars have composed research papers on its jurisprudential and legal dimensions. Nevertheless, on the contrary to other studies, the present article refrains from referring to repeated points and sets out to prompt new instances. Furthermore, it attempts to conceptualize such terms as Aqilah, Diya and Bait al-Mal, and analyze and make reference to various jurisprudential sources. In addition, another distinguishing feature of this research is not repeating the findings of other scholars, and focusing on the words of early and late jurists and emphasizing their jurisprudential approach and testifying their instances. What is more, the present study seeks to express the favorable opinion after examining and analyzing disparate narratives. Therefore, the article sets out to address the jurisprudential recognition of paying Diya from Bait al-Mal in specific cases and mentions 13 cases collected from the expressions of the jurists.

In so doing, this article will target issues in which Diya shall be paid from Bait al-Mal: when the judge makes a mistake; when the murderer does not have Aqilah; when the claimant and the defendant do not have evidence; when one is killed in a crowd; when the murder and manslaughter criminal escapes; when the murderer is unidentified; when Laqit commits the crime; when one is killed in sedition defying rebels; when two persons confess to a murder; Ha'ishat (injury and murder during the fear of day and night); when one is killed in the military camp; when one commits a murder as an act defense against the lunatic's assault; and when the murder is committed by a blind person.

Although waging war against the one who has rebelled against the Imam and the Islamic ruler is mandatory, the Diya of the victim in sedition and war with rebels is the responsibility of Bait al-Mal. Furthermore, when two people have confessed to a murder, and if there is no collusion, the verdict of execution will be suspended and the Diya of the victim will be paid from Bait al-Mal. The Diya in Ha'ishat (which signifies fear that appears at night and during the day and causes injury or murder in such a way that it does not become clear who has killed or injured someone else) is the responsibility of Bait al-Mal. Blind people are not executed for their crime and Diya will be the responsibility of their Aqilah. If they do not have Aqilah, Diya is paid from their property; otherwise, the imam will pay the Diya. If one is killed in militia or a military barracks, their Diya is paid from Bait al-Mal. If a madman intends to kill a sane person and the sane person kills him in defense of his life or his own belongings, Diya will be the responsibility of their Aqilah, and if there is no Aqilah, Diyah is paid from Bait al-Mal.

**[235] Jurisprudential Recognition of Paying Diya...; Farsimadan & sharifi**


Therefore, the purpose of producing Bait al-Mal is to safeguard the Muslims' welfare in such a manner that according to the principle "the blood of a Muslim killed shall not be wasted", preserving the blood of Muslims and preventing it from being wasted is one of the economic objectives of Bait al-Mal.

**Keywords:** Bait al-Mal, Diya, Aqilah.




## بازشناخت فقهی پرداخت دیه در موارد خاص از بیت‌المال

استادیار گروه حقوق و فقه مقارن، دانشکده‌ی مذاهب، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

علی فارسی مدان\* 

دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

عنایت شریفی 

### چکیده

یکی از کارکردهای فقهی و اقتصادی بیت‌المال پرداخت دیه در موارد خاص است. این پژوهش درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی به این سؤال اساسی پاسخ دهد که پرداخت دیه در موارد خاص از بیت‌المال کدام است؟ نگارندگان تلاش نموده اند با بررسی مستندات فقهی و روایی، پرداخت دیه در موارد خاص را بررسی کنند. زیرا بیت‌المال نسبت به پرداخت دیه مسئولیت دارد. در این تحقیق مواردی همچون خطای قاضی، دیه شخص بی‌عقله، عدم وجود بینه برای مدعی و مدعی علیه، دیه قتل به سبب ازدحام جمعیت، فرار قاتل عمدی و شبه عمدی، مقتولی که قاتلش معلوم نیست، جنایت لقیط؛ مقتول در فتنه و مقابله با شورشیان، تعارض دو اقرار در قتل، هایشات (جرح و قتل در هنگام ترس از شب و روز) و مقتول در پادگان نظامی، دفاع در مقابل تهاجم دیوانه، و جنایات نابینا احصاء گردید، که باید از بیت‌المال پرداخت نمود، زیرا هدف از ایجاد آن، رسیدگی به مصالح مسلمین است و طبق قاعده‌ی «وَلَا يَبْطُلُ دَمُ امْرِيٍّ مُسْلِمٍ» حفظ خون مسلمین و جلوگیری از باطل شدن آن، از اهداف اقتصادی بیت‌المال می‌باشد.

واژگان کلیدی: بیت‌المال، دیه، عاقله.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

بیت‌المال مجموعه‌ای از اموال عمومی است که در اختیار حاکم اسلامی قرار می‌گیرد تا در مصالح اجتماعی مسلمین به کار گرفته شود. در منابع فقهی، مصارف آن در راستای تحقق اهداف اسلام معین شده است. بیت‌المال از معنای مکان خاص اموال عمومی انصراف پیدا کرده و به معنای یک نهاد اجتماعی و اقتصادی که تمام اموال عمومی مسلمانان را دربر می‌گیرد، رواج یافته است. بیت‌المال در جهت مصالح مسلمین بوده که یکی از مجاری آن پرداخت دیه است. پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی، موارد پرداخت دیه از بیت‌المال را مورد بررسی قرار دهد، لذا این پژوهش، به سؤالات ذیل پاسخ خواهد داد:

۱. دیه‌ی خطای قاضی که منجر به مرگ و یا نقص عضو شود، بر عهده‌ی کیست؟
۲. آیا در قتل مسئولیت و ضمانی بر عهده‌ی عاقله است؟
۳. اگر قاتل عاقله نداشته و یا عاقله‌ی او توانایی مالی نداشته باشد، مسئولیت پرداخت دیه بر عهده‌ی چه کسی است؟
۴. اگر مدعی و مدعی علیه بینه نداشته باشد، دیه‌ی مقتول بر عهده‌ی کیست؟
۵. اگر فردی در ازدحام جمعیت کشته شود، دیه‌ی مقتول بر عهده‌ی کیست؟
۶. اگر قاتل فرار یا فوت کند، تکلیف دیه‌ی مقتول چیست؟
۷. اگر قاتل مشخص نباشد، دیه‌ی مقتول بر عهده‌ی کیست؟
۸. اگر لقیط جنایت انجام دهد، دیه‌ی مقتول چه می‌شود؟
۹. اگر شخصی در فتنه کشته شود، حکم دیه‌ی او چگونه است؟
۱۰. اگر دو نفر اقرار به یک قتل کردند، حکم آن چیست؟
۱۱. هایشات چیست و چه حکمی دارد؟
۱۲. حکم جنایات فرد نابینا چیست؟ آیا قصاص می‌شود؟
۱۳. حکم فقهی دفاع در مقابل تهاجم دیوانه چیست؟

درباره‌ی پیشینه‌ی این تحقیق تاکنون اندیشمندان علوم اسلامی به دلیل اهمیت بسیار زیاد، تلاشهایی نموده اند و آثاری را در ابعاد فقهی و حقوقی آن به نگارش در آورده اند. مقاله‌ی بررسی فقهی حقوقی موارد پرداخت دیه توسط بیت‌المال (محمد صادقی و علی صادقی) به مواردی مانند اجرای حد یا تعزیر موجب قتل؛ جنایت اهل ذمه؛ کشتن مهاجم توسط مدافع؛ و بیشتر بودن دیه از تعداد عاقله اشاره کرده که باید دیه‌ی آنها را از بیت‌المال هزینه کرد. یا در مقاله‌ی پرداخت دیه از بیت‌المال (منصور رحمدل) به موارد برداشت از بیت‌المال در قانون بودجه‌ی سالیانه و قوانین متفرقه‌ی دیگر اشاره شده است. مقاله‌ی قلمرو مسئولیت بیت‌المال در پرداخت دیه موارد دیه‌ی مغلظه؛ فاضل دیه؛ دیه‌ی جراحات؛ و ارش و خسارات افزون بر دیه را مورد بحث و بررسی قرار داده است. مقاله‌ی «تحلیل دامنه‌ی مسئولیت پرداخت دیه از بیت‌المال در فقه اسلامی» (عباس عابدی و سیدمحمد مهدی احمدی) موضوع را از سه جهت: جنایت خطای محض، جنایت خطای شبیه به عمد و جنایت عمدی بحث نموده و به برخی از مصادیق آن اشاره کرده است. تفاوت مقاله‌ی حاضر با آن در عدم اشاره به موارد تکراری؛ ذکر مصادیق جدید؛ مفهوم‌شناسی عاقله، دیه و بیت‌المال؛ و ارجاع به منابع و مصادر زیاد فقهی و بررسی و تحلیل آن است. همچنین وجه تمایز مقاله‌ی حاضر با سایر پژوهش‌ها، عدم تکرار یافته‌های پژوهشگران و توجه به کلمات فقهای متقدم و متأخر و تأکید بر رویکرد فقهی آن و نیز بیان مصادیق آن است. نگارندگان در مقاله سعی نموده اند بعد از بررسی و تحلیل اقوال، نظر مختار و پسندیده را بیان کنند. بدین جهت مقاله‌ی پیش رو، به بازشناخت فقهی پرداخت دیه در موارد خاص از بیت‌المال خواهد پرداخت و ۱۳ مورد را که از عبارات فقهاء احصاء شده ذکر خواهد کرد.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. بیت‌المال

بیت‌المال از دو واژه بیت و مال تشکیل شده و به مکانی گفته می‌شود که اموال، دارایی‌ها و درآمدهای دولت اسلامی از منابع مختلف درآمدهی در آنجا گردآوری شده تا تحت نظارت

بازشناخت فقهی پرداخت دیه در موارد خاص از بیت‌المال؛ فارسی مدان و شریفی | ۲۳۹ |

خلیفه یا والی در مواردی که خداوند امر فرموده و به مصلحت مسلمین است به مصرف برسد (غفاری، ۱۳۹۰: ۴۴). این نام بر مؤسسه‌ای اطلاق شده که عهده‌دار نظارت بر اموال وارد شده و خروج آنها برای صرف در موارد مختلف بوده است (الدجیلی، ۱۳۷۹: ۱۵). در عصر حاضر، بیت‌المال به مفهوم نخستین آن یعنی جای نگهداری اموال عموم مسلمانان وجود ندارد و در زبان فارسی، نه به معنای جای اموال، بلکه به معنای هر مالی است که همه‌ی مردم در آن سهم دارند و غالباً به اموال دولتی و عمومی گفته می‌شود. بنابراین، وقتی گفته می‌شود بیت‌المال، یعنی اموال بیت‌المال، یا اموالی که به همه‌ی اقشار جامعه تعلق دارد و همگان در حفظ و نگهداری آن مسئول هستند، همان‌گونه که در آن حق نیز دارند. به عبارت دیگر، بیت‌المال به مالی گفته می‌شود که مالک خصوصی ندارد و همگان در استفاده از آن سهیم‌اند (صدر و همکاران، ۱۳۸۶: ۳/۵۵۶).

#### ۱-۲. دیه

دیه در اصل ودی بوده که واو حذف گردیده و در عوض هاء به آخر آن اضافه شده (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۹۹/۸) و در لغت به معنای خون بهاء است (راغب، ۱۴۱۲: ۸۶۲) که به عوض از نفس یا عضو داده می‌شود (عاملی، ۱۴۲۲: ۲۱۱) و در برابر ارش است. در اصطلاح فقها، مالی است که به سبب جنایت بر حرّ در نفس یا پایین‌تر از آن، واجب می‌شود (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۳: ۱۵/۳۱۵؛ حائری، ۱۴۱۸: ۱۶/۳۴۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳/۲؛ خمینی، بی‌تا: ۲/۵۵۳؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۹/۶۰). بنابراین، دیه مالی است که شارع آن را بر قتل خطایی و شبه عمد و در چیزی که قصاص از جنایت بر اعضا و منافع منع شده باشد، قرار داده است (صدر، ۱۴۲۰: ۲۵۰/۹). برخی ماهیت دیه را ماهیت جبرانی دانسته و معتقدند دیه به خاطر نقض حرمت مادی و معنوی افراد پرداخته می‌شود و نوعی جبران خسارت مادی، روحی و معنوی است (منتظری، ۱۴۲۹: ۵۸) و برخی ماهیت آن را مجازاتی (حلی، ۱۳۸۷: ۴/۴۷۱) و جریمه‌ی مالی (مطهری، بی‌تا: ۱۱۸/۲۰) می‌دانند. در ماده‌ی ۴۴۸ قانون مجازات اسلامی نیز آمده است، دیه مقدر مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است.

### ۳-۱. عاقله

عاقله، از ماده‌ی عقل به معنای منع، حفظ و بستن (راغب، ۱۴۱۲: ۵۷۸؛ جوهری، ۱۴۱۰: ۱۵/۵۰۶) و خویشان و اقارب است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۴۶۰). به خویشاوندان قاتل و جانی از آن جهت عاقله می‌گویند که با عقل، شتران را به عنوان دیه به خانه مجنی‌علیه می‌بردند و می‌بستند (طریحی، ۱۴۱۶: ۵/۴۲۷). فقها در تعریف اصطلاحی آن قائلند که عاقله کسی است که دیه‌ی قتل خطایی را پرداخت می‌کند (ر.ک: طوسی، ۱۳۸۷: ۷/۱۷۳؛ حلی، ۱۴۱۰: ۳/۳۳۴؛ حائری، ۱۴۱۸: ۱۶/۵۶۸). شهید ثانی درباره‌ی آن می‌گوید: با پرداخت دیه به اولیای مقتول زبان آن را می‌بندند تا آنها را از هرگونه اعتراض و تعرض باز دارد (عاملی، ۱۴۱۰: ۱۰/۳۰۷). در کتب حقوقی نیز به معنی نگهدارنده و مواظبت‌کننده آمده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۴۴۱) و در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ماده‌ی ۴۶۸، عاقله عبارت از پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث است. همه‌ی کسانی که در زمان فوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه می‌باشند.

### ۲. موارد پرداخت دیه از بیت‌المال

هدف از ایجاد بیت‌المال رسیدگی به مصالح مسلمین است و حفظ خون مسلمین و جلوگیری از باطل شدن آن، از مهم‌ترین مصالح مسلمین به شمار می‌آید. بنابراین، بیت‌المال یکی از مجاری پرداخت دیه است که به برخی از موارد پرداخت دیه از بیت‌المال اشاره می‌کنیم.

#### ۱-۲. خطای قاضی

اگر حاکم و قاضی در حکمی که مطابق موازین شرع صادر کرده اند، اشتباه کنند، در این صورت دیه‌ی جنایتی که بر اثر این حکم اشتباهی رخ داده بر عهده‌ی کیست؟ با بررسی عبارات فقها استفاده می‌شود که خطای قاضی و حاکم سه صورت دارد:

صورت اول: اگر خطا از روی مسامحه و تقصیر حاکم و قاضی باشد. در این حالت، خود قاضی و حاکم ضامن است؛ زیرا تلف مستند به خطای حاکم است. شیخ طوسی قائل است، اگر قاضی یا حاکم افراط و کوتاهی کند، ضمانت بر عهده‌ی اوست (طوسی، ۱۳۸۷: ۸/۶۴).



همچنین اردبیلی آورده، اگر حاکم کوتاهی کند و مقصر باشد غرامت از مالش داده می‌شود. (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۵۰۷/۱۲). بنابراین، در این مسئله بحثی نیست.

صورت دوم: این خطا و اشتباه بدون تقصیر و تفریط باشد. در این صورت غرامت و دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. محقق حلی این نظر را دارد که اگر حاکم و یا قاضی خطا سهوی کند ضامن نیست، بلکه (دیه) از بیت‌المال پرداخت می‌شود (حلی، ۱۴۰۸: ۶۶/۴). صاحب جواهر می‌گوید اگر حاکم خطا کند و تلف گردد، به این صورت که حکمی به نفع کسی در خصوص مالی صادر کند یا حکم قصاص کسی را صادر نماید، پس از آن، خطای حاکم ظاهر شود و حاکم نیز در اجتهاد و تلاشش تقصیر نداشته باشد، ضامن نیست چون محسن است و ضمان بر بیت‌المال می‌باشد و هیچ خلافی از حیث روایت و فتوی در این مورد به دست نیامده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۷۹/۴۰). همچنین بنابر نظر شهید ثانی، اگر حاکم بر فردی در مالش حکم کند و یا بر دیگری حکم قصاص دهد (و مانند اینها)، سپس خطای حاکم و یا قاضی روشن شود، در حالی که ایشان در حکم خود تلاش و کوشش لازم را کرده و تقصیری نداشته‌اند، در این صورت دیه و غرامت خطا از بیت‌المال داده می‌شود و ضمانتی بر حاکم و قاضی نیست (از مال ایشان داده نمی‌شود) (عاملی، ۱۴۱۳: ۳۷۵/۱۳). ابن ادریس نیز برای این صورت چنین مثال می‌زند: هر کسی را که حاکم در مورد او حکم اشتباهی صادر کرده یا زیادتر از حد مقدر زده، چنانکه این حکم منجر به قتل یا جرح طرف شده باشد، در این حالت از بیت‌المال داده می‌شود (حلی، ۱۴۱۰: ۳/۳۶۱-۳۶۲). قائلین این نظریه به روایاتی استناد نموده‌اند؛ در روایتی آمده، حضرت علی (ع) قضاوتش به گونه‌ای بود که خطای قاضی، اعم از قتل نفس و قطع عضو همه از بیت‌المال پرداخت می‌شدند (صدوق، ۱۴۱۳: ۷/۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۶/۲۷). در روایت دیگر آمده که امیر المؤمنین (ع) چنین داوری کرده که جبران خطای قاضیان در خون، یا بریدن اندام، بر عهده‌ی بیت‌المال مسلمانان است (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۵۹/۱۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۲۶/۲۷). مضمون و محتوای روایت اول با روایت دوم یکی می‌باشد. چون هر دو از امام علی (ع) نقل شده؛ چه بسا ممکن است یک روایت از دو طریق نقل شده باشد. در هر صورت، می‌توان به هر دو روایت استناد کرد. روایت اطلاق دارد، اما اگر خطا به خاطر اشتباه قاضی و یا حاکم باشد، جبران آن بر

عهدی خطا کننده می‌باشد و به بیت‌المال مربوط نیست. اما اگر حاکم یا قاضی در قضاوت خود اشتباه (بدون تفریط و تقصیر) کرده باشند، غرامت و دیه‌ی جرح یا قتل بر عهدی بیت‌المال می‌باشد. چنانکه این مطلب مراد روایات اهل بیت و عبارات فقها می‌باشد. دلیل دیگر این صورت، دلیل عقلی است. محقق اردبیلی می‌گوید اگر حاکم و قاضی بر اساس اجتهاد و ادله‌ی خود حکم کنند و بدون تقصیر، اشتباه کرده باشند، در این صورت اگر دیه و غرامت را از مال خود پردازند، دیگر کسی به این امر مهم قضاوت تن نمی‌دهد و امور مسلمانان به تعطیلی کشیده می‌شود (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۲ / ۴۰). به عبارت دیگر، نباید در مورد خطایی که ناشی از تقصیر قاضی نیست، او را ضامن بدانیم. بنابراین، اگر حاکم و قاضی ضامن نباشند، باید دیه از بیت‌المال پرداخت شود، چون خون مسلمان طبق قاعده و روایت «وَلَا يَبْطُلُ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴ / ۳۳۹) نباید باطل و پایمال شود. به خصوص اینکه بیت‌المال مُعد برای مصالح مسلمین است و این مورد نیز از مصالح مسلمین می‌باشد. نتیجه اینکه اگر حاکم و قاضی در امر قضاوت بدون تقصیر و مسامحه و با توجه به ادله و شواهد، حکمی را صادر کنند، سپس کشف خلاف شود و قتل و یا جراحی بر طرف مقابل وارد آید، بنا بر نظر تمام فقهای امامیه و ادله‌ی مذکور، ضمان بر عهدی بیت‌المال است و بر خود حاکم یا قاضی چیزی نیست مگر اینکه خطا از روی مسامحه و تقصیر خودشان باشد. چنانکه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ماده‌ی ۴۸۶، آمده است؛ در صورت ثبوت عمد یا تقصیر از طرف قاضی صادرکننده‌ی حکم قطعی، وی ضامن است.

صورت سوم: مطلقاً از بیت‌المال پرداخت می‌شود. شیخ طوسی از قائلین این نظر است که حاکم در مورد هر کس حکم اشتباهی دهد و حکم منجر به قتل یا جرح شود، دیه‌ی قتل یا جرح از بیت‌المال پرداخت می‌شود (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۵۵). اشکالی که به حکم شیخ وارد می‌شود آن است که این حکم انصراف به اشتباه سهوی و بدون تفریط حاکم یا قاضی دارد، چنانکه در کتاب المبسوط بیان شده است (رک: طوسی، ۱۳۸۷: ۸ / ۶۴). زیرا طبق نظر صاحب جواهرالکلام، اگر حاکم حکم حد را بر مجرمی صادر کند و شخص به خاطر این حکم کشته شود، سپس روشن شود که هر دو شاهد و یا یکی از شهود فاسق بوده، در اینجا دیه‌ی آن شخص از بیت‌المال پرداخت می‌شود. این حکم برای هر موردی است که حاکم

و یا قاضی حکم کند، در این موارد دیه بر عهده‌ی حاکم و عاقله نمی‌باشد. و در این حکم اختلافی وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱/۴۷۲). پاسخ اینکه این خطای حاکم یا قاضی عمدی نیست چون ایشان بر اساس ادله، شواهد و قرائن این حکم را صادر کرده‌اند و سپس کشف خلاف شده است. بنابراین، انصراف به صورت عدم تقصیر دارد. شاهد مطلب کلام صاحب جواهر است که می‌گوید اگر حاکم در حکم دادن خطاء کرده، در حالی که در تلاش خود برای حکم دادن مقصر نبوده و کوتاهی نکرده، ضامن نیست (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۰/۷۹). در نتیجه، این کلمات از موردی که حاکم و قاضی مقصر بوده‌اند، انصراف دارد.

## ۲-۲. دیه‌ی شخص بی‌عاقله

در بحث عاقله ابتدا این سؤال مطرح می‌شود که آیا در قتل مسئولیت و ضمانتی متوجه عاقله است یا خیر؟ با تتبع در دیدگاه فقها روشن گردید که نظر مشهور فقهای متقدم و متأخر آن است که عاقله در قتل خطایی مسئول و ضامن است، که می‌توان به شیخ صدوق (صدوق، ۱۴۱۸: ۳۱۰)؛ شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷: ۷/۱۷۳)؛ ابن ادریس (حلی، ۱۴۱۰: ۳/۳۳۴)؛ محقق حلی (حلی، ۱۴۰۸: ۴/۲۷۲)؛ صاحب جواهر الکلام (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۳/۴۱۴)؛ خمینی (خمینی، بی‌تا: ۲/۶۰۰)؛ شبیری (شبیری، ۱۴۳۰: ۶۳۴)؛ مکارم (مکارم، ۱۴۲۷: ۲/۵۳۵) و صافی (صافی، ۱۴۱۷: ۲/۳۴۹) اشاره کرد. سپس این سؤال به وجود می‌آید که در مواردی که قاتل مسلمان دارای عاقله نباشد و یا عاقله‌ی وی توانایی پرداخت دیه را نداشته باشد، مسئولیت پرداخت دیه بر عهده‌ی چه کسی است؟ با تفحص در کلام فقها، بدست می‌آید که این مسئله دارای سه قول است:

قول اول: با نبود عاقله، نوبت به بیت‌المال می‌رسد. شیخ طوسی قائل است که وقتی برای قاتل خطایی، عاقله، ضامن جریره، چه مولائی که او را آزاد کرده، یا کسی که با او قرارداد ضمان جریره بسته نباشد و نیز در فرضی که مال نداشته، دیه بر بیت‌المال مسلمین است (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۳۷). قاضی ابن براج نیز معتقد است که اگر قاتل، مال و یا عاقله نداشته باشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود (ابن براج، ۱۴۰۶: ۲/۴۵۸). ابن زهره با بیان این قول به اجماع طائفه استناد کرده و می‌گوید اگر عاقله نباشد و یا اگر عاقله مال نداشته باشد دیه را

خود قاتل متحمل می‌شود و اگر مالی نداشته باشد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و این مسئله اجماعی است (حلی، ۱۴۱۷: ۴۱۳). این موضوع در میان عامه نیز مطرح بوده، ابن‌ماجه با نقل روایاتی حکم کرده که در نبود عاقله، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود (ابن‌ماجه، ۱۴۱۸: ۴/۲۲۴).

ادله‌ی قول اول: دلیل اول روایتی است که ابوولاد حنّاط می‌گوید که از امام صادق(ع) سؤال کردم: در مورد فردی که مسلمانی را عمداً به قتل رسانیده، و مقتول ولی‌دم مسلمان ندارد، خویشانش همه اهل ذمه اند؛ پرسیدم، حکم چیست؟ فرمود: بر امام مسلمین است که اسلام را بر آنان عرضه کند، پس هر یک از ایشان که مسلمان شد، او ولی‌دم خواهد بود، قاتل را به او بسپرنند و او مختار است که بکشد یا آزاد کند یا دیه بگیرد، و چنانچه کسی از ایشان اسلام را نپذیرفت، امام مسلمین ولی‌اوست، چنانچه خواست می‌کشد و یا عفو می‌کند، و یا دیه‌ی او را گرفته و به بیت‌المال مسلمین می‌پردازد. عرض کردم: اگر امام قاتل را بخشید چه؟ فرمود: این حق همه‌ی مسلمین است، و امام تنها می‌تواند بکشد یا به حساب بیت‌المال دیه را بگیرد و حق گذشت ندارد (رک: کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴/۵۰۶؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۱۰۷؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱۷۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۹/۱۲۴). قائلین این نظر می‌گویند همانطور که مقتول، ولی‌دم ندارد و امام سرپرست او می‌باشد و دیه را از قاتل گرفته و در اختیار بیت‌المال قرار می‌دهد، در مقابل اگر فردی دیگری را بکشد و عاقله نداشته باشد، امام عاقله‌ی او محسوب می‌شود و دیه را از بیت‌المال پرداخت می‌کند. علامه حلی، روایت را دلیل بر پرداخت دیه از بیت‌المال قرار داده است و می‌گوید اینکه امام صادق(ع) فرمود: حق عفو حق همه‌ی مسلمانان است و امام نمی‌تواند عفو کند، استفاده می‌شود که دیه متعلق به بیت‌المال مسلمین است و شیخ صدوق طبق این روایت فتوا داده است و دیه را متعلق به بیت‌المال مسلمانان می‌داند (حلی، ۱۴۱۳: ۹/۳۰۸). اشکال و نقدی که به روایت داریم این است که روایت مربوط به قتل عمد است و به بحث قتل خطائی مربوط نمی‌باشد. مگر اینکه بگوییم وقتی که امام در قتل عمدی اینگونه برخورد کرد و در خاتمه حکم کرد دیه بر عهده‌ی بیت‌المال است، پس به طریق اولی، در قتل خطائی، اگر قاتل عاقله نداشت، دیه‌اش از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

دلیل دوم: اجماع. این اجماع را ابن زهره نقل کرده است (حلی، ۱۴۱۷: ۴۱۳). شاید اشکال شود که این اجماع زمانی قابل اعتماد و استناد است که قول مخالفی در برابر آن نباشد و قاطبه‌ی فقها به آن فتوا داده باشد، در حالی که در مقابل این قول، اقوال دیگر نیز وجود دارند و همچنین، ابن ادریس بعد از بیان کلام شیخ طوسی، این قول را خلاف اجماع می‌داند (حلی، ۱۴۱۰: ۳/۳۳۵). در جواب می‌توان اظهار داشت که این اشکال بر ابن ادریس نیز وارد است. با این تفاوت که اکثر فقهای متقدم و متأخر و معاصر قائل به قول اول هستند.

قول دوم: در صورت عدم عاقله، امام از مال خود دیه را پرداخت می‌کند. ابن ادریس حلی، کلام شیخ طوسی در النهایه را نقل کرده و سپس به ایشان اشکال می‌کند که در صورت عدم تمکن مالی قاتل و نداشتن عاقله، امام متولی پرداخت دیه است، نه بیت‌المال؛ ایشان برای این کلام به اجماع استدلال کرده است (حلی، ۱۴۱۰: ۳/۳۳۵). ما ابتدا باید ادله‌ی این قول را نقل کنیم، سپس آن را بررسی کنیم. ثانیاً: اجماع مورد ادعای ابن ادریس، دلیل متقنی نیست؛ چون اجماع در صورتی درست است که در مقابل روایتی نباشد و یا این قول مخالفی نداشته باشد، در حالی که در مقام دو قول دیگر نیز وجود دارد. علامه حلی اقوال مسئله را آورده و پس از بیان قول شیخ طوسی، به بیان ایرادهای ابن ادریس بر شیخ پرداخته و ادله را بررسی کرده و در نهایت فرمایش ابن ادریس را ترجیح داده است (حلی، ۱۴۱۳: ۹/۳۰۸). امام خمینی می‌فرماید که اگر عاقله‌ای غیر از امام را نداشته باشد یا در صورت وجود از دیه عاجز باشد از امام - نه قاتل - گرفته می‌شود. و بعضی گفته‌اند که از قاتل گرفته می‌شود و اگر مالی نداشته باشد از امام گرفته می‌شود. ولی اولی اظهر است (خمینی، بی‌تا: ۲/۶۰۲).

ادله قول دوم: دلیل اول اینکه کلینی از سلمه بن کهیل نقل کرده مردی را نزد امیر مؤمنان (ع) آوردند که به خطا شخصی را کشته بود، امام علی (ع) در اینجا سؤالاتی را پرسید و در ادامه فرمودند: «فأنا ولیه و المؤدی عنه، و لا أبطل دم امری مسلم» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴/۵۱۹ الی ۵۲۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۹/۳۹۲). نکته‌ی قابل توجه آن است که امام (ع) دارای دو شخصیت حقیقی و حقوقی است. حضرت که فرمود: «فأنا ولیه و المؤدی عنه»؛ شاید مراد، شخصیت حقوقی است؛ زیرا حضرت به عنوان امام و رهبر مسلمانان و متولی بیت‌المال، دیه را از بیت‌المال پرداخت کرده باشد. دلیل دوم: اجماع. ابن ادریس ادعای اجماع کرده است

(حلی، ۱۴۱۰: ۳/۳۳۵). اما این اجماع را نمی‌پذیریم؛ زیرا در مقابل این قول، اقوال دیگری مطرح است.

قول سوم: با نبود عاقله، امام از بیت‌المال دیه را می‌پردازد: تفاوت قول سوم با قول اول، در آن است که در قول اول، به شخصیت حقوقی امام و حاکم شرع اشاره نشده است. بدین جهت نگارنده ابتدا در صدد بیان کلمات فقها بوده سپس در پایان به جمع اقوال پرداخته است. در قول سوم، شیخ مفید قائل است که اگر قاتل مال یا عاقله نداشته باشد، امام یا حاکم شرع دیه را از بیت‌المال پرداخت می‌کند (مفید، ۱۴۱۳: ۷۴۳). سلار این مضمون را نقل کرده (دیلمی، ۱۴۰۴: ۲۳۹) و محقق خویی نیز آورده در صورت نبود عاقله یا عدم تمکن مالی آنها، جانی باید دیه را بپردازد و اگر خود جانی هم چیزی نداشت امام می‌پردازد (خویی، ۱۴۱۰: ۱۳۸). مستند این فتوا روایاتی است که وارد شده؛ در روایتی امام (ع) درباره‌ی شخصی که فرد دیگری را از روی خطا به قتل برساند و خود نیز پیش از اینکه دیه را به اولیای مقتول بپردازد، از دنیا برود، فرمود: پرداخت دیه به عهده‌ی وارث اوست و اگر کسی را ندارد، بر امام است که از بیت‌المال مسلمانان آن را پرداخت نماید (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱۷۲). در روایتی دیگری از امام صادق (ع) آمده، اگر کسی که عاقله‌ای ندارد، توسط کسی کشته شود، امام عاقله اوست و دیه را می‌گیرد و در بیت‌المال قرار می‌دهد (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴/۵۰۶). بر این اساس و به طریق اولی، اگر چنین شخصی (یعنی: من لا عاقله له) کسی را بکشد، در این صورت امام نیز دیه را از بیت‌المال مسلمین می‌پردازد.

نظر نگارنده: در این گفتار سه قول با ادله مختلف که تعارض دارد، وجود دارند؛ ما برای حل تعارض، چنین بیان می‌کنیم:

روایتی که می‌گفت دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود نسبت به اینکه امام یا شخص دیگری بپردازد مطلق است، پس این روایت مطلق است و با روایت سلمه بن کهیل مقید می‌شود. و جمع روایات، این می‌شود که امام از بیت‌المال بپردازد. شاهد جمع، روایاتی است که می‌فرمود: حاکم و امام از بیت‌المال می‌پردازد. در واقع این دو دسته روایات مکمل هم هستند و پرداخت دیه توسط امام از بیت‌المال را تقویت می‌کند. نکته دیگر این است که روایاتی که می‌فرمود: امام دیه را می‌دهد، اشاره به شخصیت حقوقی ایشان است. زیرا یکی

از مسئولیت‌های ایشان این است که متولی بیت‌المال باشند. در قانون مجازات ۱۳۹۲ ماده‌ی ۴۳۵ نیز بیان شده است: در خصوص قتل عمد، در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. در این صورت هرگاه عاقله محکوم به پرداخت دیه شود و آن را پرداخت نکند؛ اگر متمکن باشد باید از اموال او اخذ شود و اگر تمکن مالی نداشته باشد و مُعسر باشد دیه از بیت‌المال پرداخت شده و نیازی به تقدیم دادخواست اعسار توسط عاقله نیست (اداره‌ی کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۴: ۲۹۹). این در صورتی است که دادگاه عدم توانائی عاقله را نسبت به پرداخت دیه احراز کند. بنابراین، در صورت فقدان عاقله یا معسر بودن آنها، دیه را امام یا نایب ایشان از بیت‌المال می‌پردازند.

### ۳-۲. عدم وجود بینه برای مدعی و مدعی علیه

در دعوی بین مدعی و مدعی علیه، مدعی ادعا می‌کند که مدعی علیه کسی را کشته و یا مجروح کرده است؛ در این صورت مدعی باید بینه بیاورد زیرا «البینه للمدعی»، و اگر او بینه نداشت، مدعی علیه قسم می‌خورد، و دعوا خاتمه می‌پذیرد و دیه‌ی فرد مقتول یا مصدوم از بیت‌المال پرداخت می‌شود تا خون هیچ مسلمانی هدر نرود. محقق خوبی این مورد را آورده و به آن فتوا داده است (خویی، ۱۴۱۰: ۸۰). به تبع ایشان، از فقهای معاصر نیز این مسئله را مطرح کرده‌اند (وحید، ۱۴۲۸: ۳/۵۳۰). دلیل مسئله، ابتدا روایتی از امام صادق (ع) است که پرداخت دیه توسط مدعی علیه با قسم و حلف ایشان منتفی می‌شود، اما با ضمیمه کردن روایت «لا یبطل دم امرئ مسلم» به این صحیح و برای اینکه خون مقتول هدر نرود، غرامت و دیه‌ی فرد مقتول از بیت‌المال پرداخت می‌شود (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴/۵۱۰). سپس دلیل دوم آن است که محقق خوبی در این مسئله ادعای شهرت دارد (خویی، ۱۴۲۲: ۴۲/۱۳۶). اما این دلیل مستحکم نیست، چون این مسئله را همه‌ی فقها مطرح نکرده‌اند تا از آن شهرت فهمیده شود. اما روایت دلیل خوبی است و اینکه بیت‌المال مُعد برای مصالح مسلمین است. این مورد از آن مصالح است تا خون مسلمان مقتول مورد دعوا بین مدعی و مدعی علیه هدر نرود و اختلاف ایجاد نشود.

## ۲-۴. دیه‌ی مقتول به سبب ازدحام جمعیت

یکی از سؤالات تحقیق آن است که اگر فردی در ازدحام جمعیت کشته شود، دیه‌ی مقتول بر عهده‌ی کیست؟ با مراجعه به روایات معصومین (ع) و تفحص در کلمات فقها بابتی به نام «من لایعرف قاتله» وجود دارد (رک: مفید، ۱۴۱۳: ۷۴۱؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰ / ۲۰۱)، که مشخص می‌شود دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. از فقهای متقدم، شیخ مفید می‌گوید کسی که بواسطه‌ی ازدحام جمعیت در درهای مساجد جامع و پل‌ها و بازارها، حجرالاسود، خانه‌ی خدا و زیارت قبور ائمه کشته شود، قصاص ندارد و واجب است که دیه‌ی وی را از بیت‌المال به اولیای مقتول پردازند و اگر ولی نداشت دیه‌ای بر بیت‌المال ندارد (رک: مفید، ۱۴۱۳: ۷۴۱). از قدمای دیگر، شیخ طوسی می‌گوید کسی که در ازدحام روز جمعه یا روز عرفه یا بر روی پل و مانند اینها از جاهایی که مردم ازدحام می‌کنند، بمیرد و قاتلش هم معلوم نباشد دیه‌ی او بر بیت‌المال است. اگر ولی داشته باشد آن را طلب می‌کند و آلا اگر ولی نداشت دیه‌ای ندارد (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۵۳). قاضی ابن براج نظیر این فتوا را آورده است: کسی که در اثر ازدحام جمعیت، همچون در پل، محل عبور و مرور مردم، روز عرفه، روز جمعه و مانند این موارد در مکان‌هایی که مردم ازدحام دارند، کشته شود و ولی دم مقتول دیه را مطالبه کند، دیه و غرامت از بیت‌المال ادا می‌شود و اگر ولی دم نداشت دیه داده نمی‌شود (ابن براج، ۱۴۰۶: ۵۱ / ۲). صاحب جواهر نیز می‌فرماید که کسی که در اثر ازدحام جمعیت بر پل یا چاه یا کارگاه کشته شود پس دیه‌اش بر بیت‌المال است در صورتی که لوئی برای فرد معین حاصل نباشد و همچنین اگر در اجتماع عظیم یا خیابان کسی کشته شده باشد (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۲ / ۲۳۶). آنچه مسلم است اینکه این بحث میان فقهای متقدم و متأخر همچون سید مرتضی (شریف مرتضی، ۱۴۱۷: ۳۹۵)؛ علامه حلی (حلی، ۱۴۱۳: ۳ / ۶۱۶)؛ ابن ادریس (حلی، ۱۴۱۰: ۳ / ۳۵۹)؛ شهید اول (عاملی، ۱۴۱۰: ۲۷۱)؛ شهید ثانی (شهیدثانی، ۱۴۱۰: ۱۰ / ۷۳)؛ فاضل هندی (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۱ / ۱۲۵)؛ امام خمینی (خمینی، بی‌تا: ۲ / ۵۲۸)؛ خویی (خویی، ۱۴۱۰: ۸۱) مطرح بوده و فتوا داده اند. لذا از این اقوال اجماع بدست می‌آید، چنانکه صاحب جواهر به آن اذعان کرده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۲ / ۲۳۶). قانون



مجازات ۱۳۹۲، ماده‌ی ۴۸۷ به این امر دلالت دارد: اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا بر اثر ازدحام کشته شود دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد. فتوای این حکم روایاتی است که وارد شده؛ از جمله، امام صادق (ع) به نقل از حضرت علی (ع) فرمودند، امام علی (ع) در مورد مردی که بر اثر ازدحام مردم در روز جمعه بمیرد، قضاوت فرمود که دیه‌ی مقتول از بیت‌المال مسلمین می‌باشد (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۹۲؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۲۰۲). در روایت دوم: امام باقر (ع) فرمودند در زمان حکومت علی (ع) در کوفه مردم روز جمعه ازدحام کردند و مردی را کشتند. امام دیه‌ی مقتول را از بیت‌المال به اهل او پرداخت نمود (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴/۴۹۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۲۰۲). در این مسئله ادعای اجماع شده است که قائل آن ابن زهره است (ابن زهره، ۱۴۱۷: ۴۱۴-۴۱۵). صاحب جواهر نیز می‌گوید در این مسئله اختلافی نیست (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۲/۲۳۶). پس، ادعای اجماع صحیح است، چنانکه قاطبه‌ی فقها به آن فتوا داده‌اند.

نظر نگارنده: ادله‌ی مسئله، علاوه بر اجماع، روایاتی است که در حد تواتر یا لااقل در حد استفاضه وارد شده است، چنانکه صاحب جواهر به این مطلب اشاره کرده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۲/۲۳۶). آنچه از روایات و کلمات فقها برداشت می‌شود آن است که برای پرداخت دیه از بیت‌المال، این شرایط شامل وقوع قتل به سبب ازدحام جمعیت، پیدا شدن جسد مقتول در اماکن عمومی، و ناشناس ماندن قاتل و فقدان و عدم لوث لازم است.

۲-۵. فرار قاتل عمدی یا شبه‌عمدی  
یکی از سوالات پژوهش آن است که اگر کسی عمداً مرتکب قتل عمدی یا شبه‌عمد شود و حاکم شرع بنابر دلایلی مانند فرار یا فوت قاتل، دسترسی به او نداشته باشد، وظیفه‌ی حاکم نسبت به دیه‌ی مقتول چیست؟ شیخ طوسی در قتل شبه‌عمد می‌فرماید اگر قاتل شبه‌عمد بمیرد یا فرار کند، دیه از بستگانی که از او ارث می‌برند اخذ می‌شود و اگر عاقله‌ای نداشته باشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۳۸). شاید نقدی که به شیخ طوسی وارد است این باشد که شیخ فرموده «اگر ورثه نباشد، بیت‌المال موظف به پرداخت دیه است»، ولی به این مطلب که «در جایی که ورثه باشد و توان مالی برای اداء دیه داشته باشد» هیچ

اشاره‌ای نکرده؛ چون اولویت، پرداخت از مال و دارایی خود قاتل، سپس از مال عاقله، و در نهایت در صورت عدم این موارد، از بیت‌المال است. البته شاید شیخ طوسی این اولویت را مسلم دانسته که این فتوا را داده است. ابن زهره حلی نیز در بحث دیه قتل شبه‌عمد می‌گوید دیه قتل شبه‌عمد در صورتی که قاتل مال داشته باشد، بر عهده‌ی اوست. ولی با فقدان مال، قاتل را به کار کردن و می‌دارند تا گشایشی در کار او واقع شود که بتواند دیه را پرداخت کند. چنانکه قاتل بمیرد یا فرار کند، دیه از اولیاء او به ترتیب الأقرب فالاقرب که از او ارث می‌برند أخذ می‌گردد و اگر قاتل عاقله نداشت، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود (ابن زهره، ۱۴۱۷: ۴۱۳). علامه حلی نیز بعد از ذکر قول شیخ طوسی، قول شیخ را موجه و مقبول دانسته است (حلی، ۱۴۱۳: ۹/ ۳۰۸). البته علامه در کتاب دیگر، فتوای خود را صراحتاً بیان کرده؛ اگر قاتل عمد و شبه‌عمد بمیرد یا فرار کند، دیه از بستگانی که از او ارث می‌برند أخذ می‌شود و اگر عاقله‌ای نداشته باشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود (حلی، ۱۴۱۰: ۲/ ۲۳۰). محقق اردبیلی، بحث حکم قتل عمدی را ضمن بحث قتل شبه‌عمدی آورده و برخی از نکات فقهی را مطرح کرده و بیان کرده در جایی که دیه بر ورثه واجب باشد، ولی ورثه به علت فقر مالی قدرت پرداخت دیه را نداشته باشد و امکان أخذ دیه از ورثه منتفی باشد، ضروری است تمام دیه از بیت‌المال أخذ شود تا خون مسلمان پایمال نگردد (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۴/ ۲۹۷). امام خمینی نیز قائل است در قتل عمد و شبه‌عمد، دیه بر عهده‌ی قاتل است. ولی اگر قاتل فرار کند و قابل دسترسی نباشد، دیه از مال قاتل پرداخت می‌شود. و اگر مالی نداشته باشد، از عاقله‌ی او أخذ می‌شود. در غیر این صورت دیه را امام می‌پردازد، چون نباید خون هیچ مسلمانی هدر رود (خمینی، بی‌تا: ۲/ ۶۰۲). این کلام امام خمینی توجیه‌پذیر است، زیرا ایشان در ذیل کلامش عبارت «أداهای الإمام (ع)» آورده که بیانگر آن است که امام (ع) از مال خودش نمی‌پردازد، بلکه امام (ع) دیه را از بیت‌المال که متولی آن است می‌پردازد. شاهد مطلب، کلام امام خمینی است: این دیه از مال جانی است نه عاقله؛ پس اگر مالی نداشته باشد، باید کوشش کند تا توانایی مالی، مهلت داده شود. کما اینکه در بقیه دیون است. و اگر بر آن توانایی پیدا نکند پس در اینکه بر بیت‌المال است، محتمل می‌باشد (خمینی، بی‌تا: ۲/ ۵۵۷).

بازشناخت فقهی پرداخت دیه در موارد خاص از بیت‌المال؛ فارسی مدان و شریفی | ۲۵۱ |

بنابر نظر امام، اگر قاتل فرار کند، به ترتیب: دیه از مالش، اگر نداشت، از عاقله، و اِلا امام (ع) از بیت‌المال می‌پردازد.

از فقهای معاصر، خوئی (خوئی، ۱۴۱۰: ۸۳)؛ فاضل لنکرانی (فاضل، ۱۴۲۱: ۱/۵۲۶) و بهجت (بهجت، ۱۴۲۸: ۴/۵۱۱) به این مسئله فتوا داده‌اند. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ماده‌ی ۴۳۵ مقرر داشته هرگاه در جنایت عمدی، به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، دیه‌ی جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در غیرقتل، دیه بر بیت‌المال خواهد بود.

ادله‌ی مسئله، روایات است. امام صادق (ع) می‌فرماید اگر قاتل در قتل عمد فرار کند یا قابل دسترسی نباشد، دیه از مالش داده می‌شود و اگر قاتل مالی نداشت، دیه از بستگانش به ترتیب الاقرب فالاقرب اخذ می‌شود؛ و اگر عاقله نداشت، امام (ع) دیه مقتول را می‌پردازد؛ چراکه نباید خون هیچ مسلمانی هدر رود (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴/۵۲۲). شاید اشکال شود که حضرت (ع) فرموده، دیه را امام (ع) می‌پردازد، حال آنکه موضوع پرداخت دیه از بیت‌المال است. در جواب لازم است بگوییم، اولاً: مراد ما از بیت‌المال اعم از اموالی است که امام (ع) از مال خود می‌پردازد و یا از بیت‌المال مسلمین پرداخت کند، پس بیت‌المال شامل بیت‌المال امام (ع) هم است. ثانیاً: ما گفتیم امام (ع) به عنوان متولی بیت‌المال است و دیه را از بیت‌المال ادا می‌کند.

در روایت دوم؛ امام باقر (ع) فرمود، اگر قاتل فرار کند یا بمیرد در صورت نداشتن مال، دیه از بستگان آن به ترتیب «الاقرب فالاقرب» گرفته می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱۷۰). اشکالی که شاید مطرح شود آن است که این روایت دلالت بر پرداخت دیه از بیت‌المال ندارد. در جواب گفته می‌شود ما در اینجا فقط به این روایت استناد نمی‌کنیم بلکه می‌گوییم: با این روایت تا اینجا که می‌گوید: «قاتل در صورت فوت یا فرار، دیه را از مال خود می‌دهد؛ و با نداشتن مال؛ دیه از عاقله اخذ می‌شود» موافق هستیم. اما اگر عاقله و بستگان، توان مالی پرداخت دیه را نداشتند؛ حکم و تکلیف دیه مقتول چیست؟ در جواب می‌گوییم استدلال به

صحیح‌های بزنطی (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰ / ۱۷۰). در صورتی صحیح است که از عموماًت اخباری که دلالت بر هدر نرفتن خون مسلمان می‌کند، کمک گیریم. زیرا عاقله فقط مسئول دیه‌ی مقتول نیست و برای اینکه خون مقتول هدر نرود، دیه‌ی مقتول از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

سؤال دیگر آن است که این روایت فقط به قتل عمد اشاره دارد؟ در جواب می‌گوییم وقتی که حکم قتل عمد روشن شد، به طریق اولی در قتل شبه‌عمد نیز دیه‌ی مقتول در نهایت بر عهده‌ی بیت‌المال است.

دلیل دوم؛ در ذیل موثقه ابی بصیر، امام(ع) فرمودند: «لا یبطل دم امری مسلم» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴ / ۵۲۲). از تعلیل روایت استفاده می‌شود که خون مقتول در قتل عمد و شبه‌عمد نباید هدر رود. بنابراین، اگر قاتل مال و دارایی داشت، بابت دیه أخذ می‌شود؛ در غیر این صورت، از مال عاقله می‌دهند؛ و اگر بستگان توان پرداخت آن را نداشته باشند؛ از بیت‌المال اداء می‌شود.

دلیل سوم، اجماع است. زیرا این مسئله و حکم آن مورد اتفاق و اجماع فقها می‌باشد. ما کلام ابن زهره حلی را که ادعای اجماع کرده است قبول داریم؛ چنانکه در مقام اول بحث، فتاوی‌های فقهای متقدم، متأخر را بیان کردیم.

نظر نگارنده: اگر قاتل عمد و شبه‌عمد فرار یا فوت کند، در صورت داشتن مال، از مال و دارایی قاتل، و در غیر این صورت از خویشان و بستگان او که قادر به پرداخت باشند أخذ می‌شود. و اگر عاقله توان مالی برای اداء دیه نداشته باشند، امام(ع) یا نایب ایشان دیه را از بیت‌المال می‌پردازند. زیرا خون هیچ مسلمانی نباید هدر رود.

## ۲-۶. مشخص نبودن قاتل

در مواردی که قاتل مشخص نباشد، دیه‌ی مقتول از بیت‌المال پرداخت می‌شود. فقهای هم‌چون، شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳: ۷۴۱)؛ ابن براج (طرابلسی، ۱۴۰۶: ۲ / ۵۱۳)؛ فیض کاشانی (فیض، بی تا: ۲ / ۱۵۸)؛ علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۶ / ۴۱۹) به این مسئله اذعان داشته و بر آن فتوا داده‌اند. البته به شرطی که قاتل به هیچ وجه قابل شناسایی نباشد؛ زیرا اگر

قبیله و گروهی متهم باشند باید قاتل را شناخت و دیه را از او گرفت؛ در غیر این صورت دیه‌ی مقتول از بیت‌المال پرداخت می‌شود (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳: ۷۴۱؛ طرابلسی، ۱۴۰۶: ۲/۵۱۳). مستند فتوای فقها در این مسئله، روایات (فیض، بی‌تا: ۲/۱۵۸) و قاعده‌ی «لا یبطل دم امرئ مسلم» می‌باشد که برگرفته از روایت امام علی (ع) می‌باشد؛ حضرت در مورد مردی که کشته شده و قاتلش معلوم نیست فرمودند: «کان له اولیاء یطلبون دیته، أعطوا دیته من بیت مال المسلمین، و لا یبطل دم امرئ مسلم» (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۹۲؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۲۰۲)؛ «اگر مقتول اولیاء داشته باشد که دیه‌اش را طلب کنند، دیه‌ی او از بیت‌المال عطا می‌شود و خون مسلمان باطل نمی‌شود و هدر نمی‌رود». تفاوت این فرع (مشخص نبودن قاتل) با فرع قبلی (فرار قاتل عمدی یا شبه‌عمدی) آن است که در عبارات فقها این موضوع تفکیک شده است چنانکه عبارت شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۳۸) و فقهای دیگر (ر.ک: ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳/۳۳۵؛ محقق حلی، ۱۴۱۲: ۳/۳۶۹؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۵/۶۴۴؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۱/۵۱۸ و...) بیانگر این مطلب است. در ماده‌ی ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی نیز آمده که اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد.

## ۲-۷. جنایت لقیط

یکی از سوالات پژوهش آن است که اگر لقیط (کودک پیدا شده) از روی خطا جنایتی را انجام دهد، پرداخت دیه‌ی مقتول بر عهده‌ی کیست؟ در کتب فقهی این مسئله مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. شیخ طوسی معتقد است که اگر لقیط یک جنایت خطایی کند، بیت‌المال عاقله‌اش است؛ چرا که لقیط مسلمان حرّی که عاقله ندارد نفقه‌اش از بیت‌المال است (طوسی، ۱۳۸۷: ۳/۳۵۵). محقق حلی عاقله‌ی لقیط را در صورتی که نسب‌اش مشخص نباشد و کسی که قرار ضمان نداشته باشد؛ امام (ع) می‌داند. در این حکم فرقی نمی‌کند، جنایت عمدی یا سهوی باشد، البته تا زمانی که صغیر باشد. اما اگر بالغ شده در صورت جنایت عمدی قصاص می‌شود و در صورت جنایت خطایی دیه‌اش را امام (ع) می‌پردازد و در شبه‌عمدی، دیه از مال خود لقیط داده می‌شود (حلی، ۱۴۰۸: ۳/۲۲۷). شهید اول نیز دیه‌ی جنایتی را که لقیط انجام داده بر عهده‌ی امام (ع) می‌داند (عاملی، ۱۴۱۰: ۳/۸۰). این موضوع

در میان عامه نیز مطرح بوده، علامه حلی با بیان نظر آنان می‌گوید که در خصوص لقیط که عاقله ندارد دیه‌ی مقتول از بیت‌مال مسلمین پرداخت می‌شود (حلی، ۱۴۱۴: ۱۷/۳۵۶). صاحب‌مفتاح‌الکرامه نیز این قول عامه را مطرح کرده است (عاملی، ۱۴۱۹: ۱۷/۵۹۳). برای وجوه استدلال، روایتی بیان شده؛ از جمله عبارت «الإمام وارث من لا وارث له» می‌باشد (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۳/۷۵۴)، که با استدلال به عمومات روایات «الإمام وارث من لا وارث له» می‌گوییم امام (ع) وارث افرادی چون لقیط که وارث ندارند می‌باشد، پس اگر او بمیرد و وارثی نداشته باشد امام (ع) وارث او خواهد شد. البته امام (ع) نیز عاقله‌ی لقیط شمرده می‌شود و اگر لقیط جنایت غیر عمدی انجام دهد امام (ع) هم دیه‌ی او را متحمل خواهد شد. مسلم است که امام (ع) این دیه را از منبع بیت‌المال پرداخت می‌کند و حکم آن در عصر غیبت، با ولی فقیه می‌باشد. وجه دوم اجماع می‌باشد (رک: عاملی، ۱۴۱۹: ۱۷/۵۹۳). اجماع مذکور به طور محکم و قاطع پذیرفتنی نیست، چون در این مسئله (در صغیر و کبیر، عمد و غیر عمد) میان علما و فقها اختلاف و تفصیل وجود دارد؛ اما قدر متیقن و مسلم این است که در جنایت لقیط از روی خطا، دیه‌ی آن را امام (ع) یا حاکم شرع می‌پردازد. بنابراین، با توجه به عمومات «من لا وارث له»، امام (ع) و بیت‌المال عهده‌دار دیه‌ی جنایت لقیط از روی خطا می‌باشد. البته در برخی عبارات، بیت‌المال (طوسی، ۱۳۸۷: ۳/۳۵۵)؛ بیت‌مال‌المسلمین (حلی، ۱۴۱۴: ۱۷/۳۵۶) و بیت‌مال‌الامام (عاملی، ۱۴۱۹: ۱۷/۵۹۶) آمده که با هم قابل جمع است چون متولی و سرپرست بیت‌المال با امام (ع) و حاکم شرع می‌باشد.

## ۲-۸. مقتول در فتنه

اگر شخصی در فتنه و یا در جنگ با شورشیان کشته شود، دیه‌ی او بر عهده‌ی بیت‌المال است. این نظر را شیخ طوسی در الخلاف ذکر کرده (طوسی، ۱۴۰۷: ۵/۳۰۹) و سپس فقهای هم‌چون طبرسی (طبرسی، ۱۴۱۰: ۲/۳۶۸)؛ صیمری (صیمری، ۱۴۰۸: ۳/۱۹۹)؛ مرعشی نجفی (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵: ۲/۱۶۷) آن را بیان کرده‌اند. شیخ طوسی مستند این فتوا را اجماع می‌داند زیرا اثبات لوث لوث نیاز به دلیل است (طوسی، ۱۴۰۷: ۵/۳۰۹). بر این اساس، دیه‌ی ایشان با بیت‌المال است. زیرا جنگ با کسی که بر امام و حاکم اسلامی خروج کرده

بازشناخت فقهی پرداخت دیه در موارد خاص از بیت‌المال؛ فارسی مدان و شریفی | ۲۵۵ |

واجب است که مستند آن نصوص و اجماع واجب است (حلی، ۱۴۲۰: ۲/۲۲۹؛ حلی، ۱۴۱۴: ۹/۳۹۱).

## ۲-۹. تعارض دو اقرار در قتل

اگر کسی اقرار به قتل عمد کند، سپس شخص دیگری اقرار به همان قتل کند، و مقر اول از اقرار خود برگردد، دیه و قصاص متوجه هیچ کدام نیست؛ بنابر نظر مشهور (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۲/۲۰۶) و اکثر فقهاء (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۱/۱۱۳) دیه‌ی مقتول از بیت‌المال پرداخت خواهد شد. زیرا مشخص نیست قاتل، مقر اول یا مقر دوم است؛ پس نمی‌توان هیچ کدام را قصاص نمود، یا از آنها دیه گرفت. لذا برای اینکه خون مسلمان هدر نرود، دیه‌ی مقتول از بیت‌المال داده می‌شود (کابلی، بی‌جا: ۳/۳۵۳). این فتوا را سیدمرتضی (شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ۵۴۳؛ فاضل آبی (آبی، ۱۴۱۷: ۲/۶۱۳)؛ محقق حلی (حلی، ۱۴۰۸: ۴/۲۰۳ و ۱۴۱۸: ۲/۲۹۷)؛ علامه حلی (حلی، ۱۴۱۱: ۱۹۷ و ۱۴۱۳: ۳/۶۱۲)؛ شهید اول (عاملی، ۱۴۱۰: ۲۷۰)؛ جمال‌الدین حلی (حلی، ۱۴۱۰: ۴۳۱)؛ شهید ثانی (عاملی، ۱۴۱۰: ۱۰/۶۹) و سید عبدالاعلی (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۸/۲۴۴) بیان کرده‌اند. مستند این حکم اجماع (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۱/۱۱۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۲/۲۰۶؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۸/۲۴۴) و روایتی از امام صادق (ع) است که از امام علی (ع) نقل کرده است (رک: کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴/۳۲۴ الی ۳۲۵)؛ در آن روایت امام علی (ع) بیان حکم قضیه‌ای را به امام حسن (ع) واگذار نمودند، که مربوط به مقتولی است که دو نفر اقرار به قتل آن کرده بودند و سپس مقر اول از اقرار و اعتراف خود رجوع کرده که امام حسن (ع) فرمودند: این شخص [قاتل] اگرچه آن فرد را کشته است ولی این فرد [دیگر] را زنده کرده است [و با توجه به آیه‌ی شریفه] هر دو آزاد می‌شوند و دیه‌ی کشته‌شده از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

## ۲-۱۰. هایشات

هایشات ترسی است که در شب و روز پدید می‌آید و موجب می‌شود سر و صورت انسان مجروح یا کسی کشته شود، که معلوم نیست چه کسی او را کشته یا مجروح کرده است

(ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴/۴۹۶؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۴/۱۵۹). یکی از فقهای معاصر، هایشات را جمع هیش به معنای فتنه می‌داند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ۲۳۲)، حتی اگر این تفسیر صحیح باشد، در گذشته بیان شد که دیه‌ی مقتول در فتنه از بیت‌المال داده می‌شود. شیخ طوسی قائل است که کسی که به خاطر ترس از شب کشته یا مجروح شود، دیه‌اش بر عهده‌ی بیت‌المال است (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۵۴). محقق حلّی (حلّی، ۱۴۱۲: ۳/۳۹۸)؛ علامه حلّی (حلّی، ۱۴۱۳: ۹/۳۴۶)؛ قاضی ابن براج (طرابلسی، ۱۴۰۶: ۲/۵۱۴)؛ حائری، ۱۴۱۸: ۱۶/۲۸۳) و مرعشی نجفی (مرعشی، ۱۴۱۵: ۲/۱۶۹) نیز این فتوا را بیان کرده‌اند. البته ابن ادریس حلّی به این فتوا یک قید اضافه نموده و فرموده که به شرطی بیت‌المال متصدی پرداخت دیه‌ی قتل یا جرح آن است که قوم و افرادی متهم نباشند و یا لوث وجود نداشته باشد (حلّی، ۱۴۱۰: ۳/۳۶۰). اما علامه حلّی این قید را قبول ندارد و می‌گوید نیازی به آن نیست (حلّی، ۱۴۱۳: ۹/۳۴۶). مستند حکم روایتی است که حضرت علی (ع) دیه را از بیت‌المال مسلمانان داد (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴/۴۹۶-۴۹۷).

## ۲-۱۱. مقتول در پادگان نظامی

اگر کسی در لشکری و یا پادگان نظامی کشته شود دیه‌اش از بیت‌المال مسلمانان داده می‌شود. برخی از فقها همچون شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۵۴)؛ قاضی ابن براج (طرابلسی، ۱۴۰۶: ۲/۵۱۴)؛ ابن ادریس (حلّی، ۱۴۱۰: ۳/۳۶۰)؛ محقق حلّی (حلّی، ۱۴۱۲: ۳/۳۹۹) و علامه حلّی (حلّی، ۱۴۱۳: ۹/۳۴۶)، قیدی اضافه کرده و گفته‌اند که در صورتی دیه از بیت‌المال هزینه می‌شود که قاتل آن مشخص و معلوم نباشد. در مقابل برخی از فقهای به صورت مطلق می‌گویند که از بیت‌المال پرداخت می‌شود (ر.ک: فاضل آبی، ۱۴۱۷: ۲/۶۱۷)؛ ابن سعید، حلّی، ۱۴۰۵: ۵۸۲)؛ حائری، ۱۴۱۸: ۱۶/۲۸۳)؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۳: ۳/۸۰)؛ تبریزی، ۱۴۲۶: ۲۱۰)؛ روحانی، ۱۴۱۲: ۲۶/۱۰۹). این دو دسته قول، قابل جمع است و تعارض ندارد، زیرا گروه دوم، مسلم گرفته‌اند که اگر شخصی عمداً قتل را انجام داده، مقصر می‌باشد، اما کسی که در حال مأموریت و وظیفه‌شناسی کشته شده باشد، دیه‌ی او با بیت‌المال خواهد بود، چنانکه ماده‌ی ۴۷۳ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: هرگاه مأموری در اجرای وظایف



قانونی، عملی را مطابق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمه بدنی کسی شود، دیه بر عهده‌ی بیت‌المال است. مستند این فتوا روایتی است که امام صادق (ع) فرمودند اگر فردی در لشکری [پادگان نظامی] کشته شود، دیه‌ی او از بیت‌المال به اولیایش پرداخت می‌شود و نیز اجماع است (حائری، ۱۴۱۸: ۱۶/۲۸۳).

## ۲-۱۲. جنایت نابینا

یکی از فروع فقهی آن است که آیا شخص نابینا قصاص می‌شود؟ بطور مثال فرد کوری شخص بینایی را نابینا کند؛ با تتبع در عبارات فقهاء روشن می‌شود که دو قول وجود دارد، برخی از فقها همچون ابن ادریس حلی (حلی، ۱۴۱۰: ۳/۳۶۸)؛ علامه حلی (حلی، ۱۴۱۳: ۹/۳۵۹) و ابن حمزه (طوسی، ۱۴۰۸: ۴۵۵) قائلند که نابینا حکم قاتل عمدی را دارد و قصاص می‌شود، به خاطر اینکه نابینا مانند فرد بینا مکلف و بالغ و عاقل است (صیمری، ۱۴۲۰: ۴/۳۸۹). مستند این فتوا آیات شریفه‌ی «النَّفْسُ بِالنَّفْسِ» (مانده: ۴۵) و «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ» (بقره: ۱۷۹) می‌باشد، زیرا اگر قصاص نشود، این آیات از فائده خارج می‌شوند (حلی، ۱۴۱۰: ۳/۳۶۸). قول دوم آن است که قصاص نمی‌شود بلکه دیه بر عهده‌ی عاقله‌ی ایشان است (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۰: ۷۶۰؛ طرابلسی، ۱۴۰۶: ۲/۴۹۵). صاحب جواهر این فتوا را قول مشهور می‌داند و قائلین آن را ابی‌علی، صهرشتی؛ طبرسی؛ صدوق و شهید ثانی برشمرده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۲/۱۸۹) و اگر عاقله نداشته باشد، دیه از مالش پرداخت می‌شود و گرنه دیه را امام [از بیت‌المال] می‌پردازد (ر.ک: خویی، ۱۴۱۰: ۷۵ و ۱۴۲۲: ۴۲/۹۹؛ وحید، ۱۴۲۸: ۳/۵۲۴؛ روحانی، بی‌تا: ۳/۳۲۹؛ کابلی، بی‌تا: ۳/۳۴۸). مستند قول دوم؛ روایاتی است که وارد شده. از جمله، ابی‌عبیده می‌گوید، از امام باقر (ع) درباره‌ی کوری که چشم شخص بینایی را کور کرده، پرسیدم. حضرت فرمود، کارهای عمدی کور، همانند کارهای خطایی محسوب می‌شود. در این مورد دیه [کور کردن چشم] باید از مال او پرداخت شود و اگر مال و ثروتی نداشت، دیه بر عهده‌ی امام است و هیچ‌گاه حق شخص مسلمان باطل و ضایع نخواهد شد (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴/۳۵۸). در روایت دیگری امام صادق (ع) فرمودند جنایت نابینا خطا است، لذا عاقله باید دیه را در طی سه سال و هر سال بخشی از آن را بپردازند و اگر نابینا عاقله‌ای

نداشته باشد از مال خودش دیه گرفته می شود (صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۱۴۲). آیه الله خویی در خصوص جمع دو روایت می گوید اگر نابینا عاقله داشته باشد، عاقله مسئول پرداخت دیه‌ی جنایات خطایی خواهد بود و گرنه دیه از اموال خود نابینا داده می شود، اما اگر مالی نداشته باشد، امام دیه را از بیت‌المال می پردازد (خویی، ۱۴۲۲: ۴۲/۱۰۰).

### ۱۳-۲. دفاع در مقابل تهاجم دیوانه

یکی دیگر از فروع فقہی، بحث پیرامون تهاجم دیوانه و مجنون است. بدین جهت، اگر دیوانه‌ای قصد کشتن عاقلی را داشته باشد، و عاقل در دفاع از جان یا دفاع از چیزی که به او تعلق دارد او را بکشد، شیخ طوسی؛ محقق حلی و ابن ادریس قائلند، عمل عمدی و خطایی ایشان در حکم واحد است و قصاص نمی شود، بلکه دیه بر عهده‌ی عاقله خواهد بود و در صورت نداشتن عاقله، دیه از بیت‌المال پرداخت می شود (رک: طوسی، ۱۴۰۰: ۷۶۰؛ حلی، ۱۴۱۲: ۳/۴۱۵؛ حلی، ۱۴۱۰: ۳/۳۶۸). اکثر فقهای متقدم این فتوا را بیان نموده اند که می توان به فاضل آبی (آبی، ۱۴۱۷: ۲/۶۱۲)؛ محقق حلی در شرائع الإسلام (حلی، ۱۴۰۸: ۴/۲۱۰) و المختصر النافع (حلی، ۱۴۱۸: ۲/۲۹۷)؛ مقداد حلی (حلی، ۱۴۰۴: ۴/۴۳۰)؛ جمال الدین حلی (حلی، ۱۴۱۰: ۴/۴۲۹)؛ صاحب غایة المرام (صیمری، ۱۴۲۰: ۴/۳۸۷)؛ صاحب ریاض المسائل (حائری، ۱۴۱۸: ۱۶/۲۵۷) و صاحب الجواهر (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۲/۱۸۵) اشاره کرد. فقهای معاصر نیز می گویند به نظر مشهور خونس هدر است. قصاص و دیه به او تعلق نمی گیرد و دیه‌ی او از بیت‌المال پرداخت می شود (ر.ک: خوانساری، ۱۴۰۵: ۷/۲۳۶؛ مرعشی نجفی، ۱۴۱۵: ۱/۴۲۸؛ خویی، ۱۴۱۰: ۷۵ و ۱۴۲۲: ۴۲/۹۶؛ وحید، ۱۴۲۸: ۳/۵۲۴؛ روحانی، بی تا: ۳/۳۲۹؛ کابلی، بی تا: ۳/۴۳۸). با نقل عبارات فقهای متقدم به نظر می رسد که این قول صحیح است، چنانکه صاحب ریاض بر این مطلب صحه گذاشته است (حائری، ۱۴۱۸: ۱۶/۲۵۷). مستند حکم روایاتی است که وراد شده؛ در روایتی ابی بصیر از امام باقر (ع) درباره‌ی کسی که شخص دیوانه‌ای را کشته پرسید؟ حضرت فرمود، اگر دیوانه به او حمله نموده و او از خودش دفاع کرده، مجازات و دیه بر وی نیست، اما از بیت‌المال مسلمانان، دیه‌ی آن دیوانه به وارثش پرداخت می شود (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴/۳۳۷؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۲۳۱). در روایت

دیگری، ابی‌الورد می‌گوید: به امام صادق (ع) یا امام باقر (ع) عرض کردم: شخص دیوانه‌ای با شمشیر به کسی هجوم برده و ضربه‌ای به او وارد آورده و آن شخص شمشیر را از او گرفته و وی را کشته است. در این باره چگونه باید عمل شود؟ حضرت فرمود:، به نظر من به خاطر این کار نباید کشته شود و دیه هم به عهده‌ی او نیست، دیه‌ی او به عهده‌ی امام است و خون او به هدر نمی‌رود (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴/۳۳۸؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۲۳۱-۲۳۲). تبصر ۳ ماده‌ی ۱۵۶ نیز می‌گوید در موارد دفاع مشروع دیه نیز ساقط است جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

### نتیجه

بیت‌المال در بدو شکل‌گیری، با عنوان مکان خاص اموال عمومی شناخته می‌شد که در آن درآمدهای دولتی و اموال عمومی متعلق به همه مسلمانان بود، نگهداری می‌شد. با گذشت زمان و تغییر رویکردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سبک زندگی، عناوین شکل جدید و گسترده به خود گرفت. در این میان، مفهوم بیت‌المال نیز از این تحولات بی‌نصیب نماند و از معنای نخستین خود انصراف پیدا کرده و به معنای هر مالی که همه‌ی مردم در آن سهم دارند، به کار رفت. امروزه بیت‌المال به معنای یک نهاد اجتماعی و اقتصادی است که تمام اموال عمومی مسلمانان را دربر می‌گیرد. یکی از کارکردهای بیت‌المال، پرداخت دیه در موارد خاص است. زیرا هدف از ایجاد بیت‌المال رسیدگی به مصالح مسلمین است که حفظ خون مسلمین و جلوگیری از باطل شدن آن، از مهم‌ترین مصالح بیت‌المال است، چون خون مسلمان طبق قاعده‌ی «وَلَا يَبْطُلُ دَمٌ أَمْرِي مُسْلِمٍ» که برگرفته از روایت است (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴/۳۳۹) نباید باطل و پایمال شود. بیت‌المال یکی از مجاری پرداخت دیه می‌باشد که در موارد خاصی مانند: خطای قضایی، دیه‌ی شخص بی‌عاقله؛ عدم وجود بینه برای مدعی و مدعی علیه؛ دیه مقتول به سبب ازدحام جمعیت؛ فرار قاتل عمدی و شبه‌عمدی و جنایت لقیط از بیت‌المال پرداخت می‌شود. با توجه به اینکه جنگ با کسی که بر امام و حاکم اسلامی خروج کرده، واجب است، لذا دیه‌ی مقتول در فتنه و جنگ با شورشیان، بر عهده‌ی بیت‌المال است. هنگامی که دو نفر اقرار به یک قتل نمودند و هیچ تبانی در میان نباشد، حکم قصاص

مرتفع و دیه مقتول از بیت المال داده می‌شود. ترسی که در شب و روز پدید می‌آید و موجب جرح یا قتل شود، به طوری که معلوم نباشد چه کسی کشته یا مجروح شده دیه‌اش بر عهده‌ی بیت‌المال است. شخص کور به خاطر جنایتش قصاص نمی‌شود بلکه دیه به عاقله تحمیل می‌شود و اگر عاقله نداشته باشد، دیه از مالش پرداخت می‌شود و گرنه دیه را امام می‌پردازد. اگر کسی در لشکری و یا پادگان نظامی کشته شود، دیه‌اش از بیت‌المال مسلمانان داده می‌شود. اگر دیوانه‌ای قصد کشتن عاقلی را داشته باشد، عاقل در دفاع از جان‌ش یا دفاع از چیزی که به او تعلق دارد او را بکشد، دیه بر عهده‌ی عاقله خواهد بود و در صورت نداشتن عاقله دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

Ali Farsimadan  <http://orcid.org/0000-0003-3226-0264>

Enayat Sharifi  <http://orcid.org/0000-0002-1622-539X>

## منابع

### فارسی

- آبی فاضل، حسن بن ابی طالب یوسفی (۱۴۱۷ق)، *کشف الرموز فی شرح مختصر النافع*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، سوم.
- ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۱۸ق)، *سنن الحافظ أبی عبدالله محمد بن یزید القزوينی ابن ماجه*، دار الجیل، بیروت، اول.
- اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات (۱۳۸۴ش)، *مجموعه قانون مجازات اسلامی*، تهران، ریاست جمهوری، معاونت پژوهش، اداره چاپ و انتشارات.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۶ق)، *فلاح السائل و نجاح المسائل*، بوستان کتاب، قم، اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، دارالفکر للطباعة والنشر و التوزیع، دار صادر، بیروت.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.
- بهجت، محمد تقی (۱۴۲۸ق)، *استفتاءات*، دفتر حضرت آیه الله بهجت، قم، اول.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۶ق)، *تنقیح مبانی الأحكام - کتاب القصاص*، دار الصدیقه الشهیده سلام الله علیها، قم، دوم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۷ش)، *ترمینولوژی حقوق*، گنج دانش، تهران.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة*، دار العلم للملایین، بیروت.
- حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸ق)، *ریاض المسائل*، مؤسسه آل البيت، قم.

حلی، ابن زهره، حمزة بن علی حسینی (۱۴۱۷ق)، غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، مؤسسه امام صادق، قم، اول.

حلی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم.

حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ق)، الجامع للشرائع، مؤسسه سید الشهداء العلمیة، قم، اول.  
حلی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی (۱۴۱۰ق)، المقتصر من شرح المختصر، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد، اول،

حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعیلیان، قم، دوم.

حلی، مقداد بن عبد الله سیوری (۱۴۰۴ق)، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، اول.

حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۰ق)، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.

\_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.

\_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم.

\_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق)، تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، اول.

حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق)، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، مؤسسه اسماعیلیان، قم، اول.

خمينی، سید روح الله موسوی (بی تا)، تحرير الوسيلة، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، اول.  
خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، مؤسسه اسماعیلیان، قم، دوم.

خویی، سید ابو القاسم موسوی (۱۴۱۰ق)، تکملة المنهاج، نشر مدينه العلم، قم، ۲۸.

بازشناخت فقهی پرداخت دبه در موارد خاص از بیت‌المال؛ فارسی مدان و شریفی | ۲۶۳ |

\_\_\_\_\_ (۱۴۲۲ق)، مبانی تکملة المنهاج، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي، قم، اول.

الدجيلي، خوله شاکر (۱۳۷۹ش)، بیت‌المال، پیدایش و تحولات آن؛ ترجمه سيد محمد صادق عارف، بنياد پژوهشهای اسلامی، مشهد.

ديلمي، سلاّر، حمزة بن عبد العزيز (۱۴۰۴ق)، المراسم العلويّة و الأحكام النبويّة، منشورات الحرمين، قم، اول.

راغب اصفهاني، حسين بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن - دار القلم - الدار الشامية، بيروت، دمشق.

روحاني، سيد محمد حسيني (۱۴۲۰ق)، المرتقى إلى الفقه الأرقى - كتاب الخيارات، مؤسسة الجليل للتحقيقات الثقافية، تهران، اول.

روحاني، سيد صادق حسيني (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق عليه السلام، دار الكتاب، مدرسه امام صادق عليه السلام، قم، اول.

\_\_\_\_\_ (بی‌تا)، منهاج الصالحين، بی‌جا (نرم افزار نور)

سبزواری، سيد عبد الأعلى (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام، مؤسسه المنار، دفتر حضرت آیه الله، قم، چهارم.

شريف مرتضى، على بن حسين موسى (۱۴۱۷ق)، المسائل الناصريات، رابطة الثقافة و العلاقات الإسلامية، تهران، اول.

\_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق)، الانتصار في انفرادات الإمامية،

دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.

شیرینی زنجانی، سيد موسى (۱۴۳۰ق)، رساله توضیح المسائل، انتشارات سلسبیل، قم، اول. شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۷ق)؛ الدروس الشرعية في فقه الإمامية، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم.

\_\_\_\_\_ (۱۴۱۰ق)، اللمعة الدمشقيه في فقه الاماميه،

دار التراث - الدار الإسلامية، بيروت.

شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی (۱۴۱۳ق)، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم.

(۱۴۱۰ق)، *الروضه البهيه في شرح اللمعه* \_\_\_\_\_  
الدمشقيه، كتابفروشى داورى، قم.

(۱۴۲۲ق)، *حاشية المختصر النافع*، انتشارات دفتر  
تبليغات اسلامى، قم، اول.

صافى گليپگانى، لطف الله (۱۴۱۷ق)، *جامع الأحكام*، انتشارات حضرت معصومه سلام الله عليها،  
قم، چهارم.

صدر، سيد محمد (۱۴۲۰ق)، *ما وراء الفقه، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، اول.*  
صدر حاج سيدجوادى، احمد و خرمشاهى، بهاء الدين و فانى، كامران (۱۳۸۶ش)، *دايره المارف*  
تشيع، نشر شهيد سعيد محبى، تهران.

صدوق، ابن بابويه، محمد بن على (۱۴۰۶ق)، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، دار الشريف الرضى  
للنشر، قم، دوم.

(۱۴۱۸ق)، *الهداية في الأصول و الفروع*، مؤسسه  
امام هادى عليه السلام، قم، اول.

(۱۳۸۵ش)، *علل الشرائع*، كتابفروشى داورى؛ قم،  
اول.

(۱۴۱۳ق)، *من لا يحضره الفقيه*، دفتر انتشارات  
اسلامى؛ قم، دوم.

صيمرى، مفلح بن حسن (حسين) (۱۴۰۸ق)، *تلخيص الخلاف و خلاصه الاختلاف - منتخب*  
الخلاف، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، قم، اول.

طبرسى، امين الإسلام، فضل بن حسن (۱۴۱۰ق)، *المؤتلف من المختلف بين أئمة السلف*، مجمع  
البحوث الإسلامية، مشهد، اول.

طرابلسى، ابن براج، قاضى، عبد العزيز (۱۴۰۶ق)، *المهذب*، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به حوزه  
علميه قم، قم، اول.



بازشناخت فقهی پرداخت دیه در موارد خاص از بیت‌المال؛ فارسی مدان و شریفی | ۲۶۵ |

طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی، تهران، سوم.  
طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، دارالکتاب العربی، بیروت، دوم.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۰ق)، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ناشر: دار  
الکتب الإسلامیه؛ تهران، اول.

\_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تحقیق خراسان، تهران، چهارم.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ش)، المبسوط فی فقه الامامیه، المكتبه المرتضویه  
لإحياء الآثار الجعفریه، تهران.

طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸ق)، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، انتشارات کتابخانه آیه الله  
مرعشی نجفی، قم، اول.

عاملی، حر، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، اول.  
عاملی، سید جواد بن محمد حسینی (۱۴۱۹ق)، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، دفتر  
انتشارات اسلامی، قم، اول.

فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ق)؛ تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسيلة؛ القصاص، مرکز فقهی  
ائمه اطهار، قم، اول.

فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، دفتر انتشارات  
اسلامی، قم، اول.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، نشر هجرت، قم، دوم.  
فیض کاشانی، محمد محسن (بی تا)، مفاتیح الشرائع، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی،  
قم، اول.

کابلی، محمد اسحاق فیاض (بی تا)، منهاج الصالحین، بی جا.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، کافی، دارالحديث، قم، اول.

مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، مؤسسه فرهنگی  
اسلامی کوشانبور، قم، دوم.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۲۰ق)، الوجیزة فی الرجال، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، اول.

\_\_\_\_\_ (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دوم.

\_\_\_\_\_ (۱۴۰۶ق)، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، اول.

محقق ثانی، علی بن حسین کرکی عاملی (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل البيت، قم.

مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۱۵ق)، القصاص علی ضوء القرآن و السنه، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، اول،

مطهری، مرتضی (بی تا)، فقه و حقوق (مجموعه آثار) جلد ۲۰، قم - ایران، اول، بی جا.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، المقنعه، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، اول.

منتظری، حسین علی (۱۴۲۹ق)، مجازات های اسلامی و حقوق بشر، در یک جلد، ارغوان دانش، قم، اول.

مکارم، ناصر (۱۴۲۷ق)، استفتاءات جدید، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، قم، دوم.

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت.

نجفی، کاشف الغطاء، احمد بن علی بن محمد رضا (۱۴۲۳ق)، سفینه النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات، مؤسسه کاشف الغطاء، نجف اشرف، اول.

وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ق)، منهاج الصالحین، مدرسه امام باقر علیه السلام، قم، پنجم.

#### Translated References Into English

Abi Fadel, Hassan bin Abi Talib Yusufi (1417 BC), Revealing the Symbols in Sharh Mukhtasar al-Nafi', Islamic Publications Notebook, Qom, Summ. [In Arabic]

- Ibn Majah, Muhammad bin Yazid (1418 BC), Sunan Al-Hafiz Abu Abdullah Muhammad bin Yazid Al-Qazwini Ibn Majah, Dar Al-Jeel, Beirut, first. [In Arabic]
- Management of all codification and revision of laws and decisions (1384 AH), Collection of Islamic Authorities Law, Tehran, Republican Headquarters, Public Affairs Assistant, Printing and Publications Department. [In Persian]
- Ibn Tawus, Ali bin Musa (1406 BC), Falah al-Sa'il wa Najah al-Masa'il, Bustan Kitab, Qom, first. [In Arabic]
- Ibn Manzur, Muhammad bin Makram (1414 BC), Lisan al-Arab, Dar Al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution, Dar Sader, Beirut. [In Arabic]
- Ardebili, Ahmed bin Muhammad (1403 BC), Complex of Interest and Burhan fi Sharh Irshad al-Adhan, Islamic Publications Notebook, Qom, first. [In Arabic]
- Bahjat, Muhammad Taqi (1428 BC); Referendums, notebook of Hazrat Ayatollah Bahjat, Qom, first. [In Persian]
- Tabrizi, Jawad bin Ali (1426 BC), Revising the Buildings of Rulings - Book of Retribution, Dar al-Siddiqa al-Shahidah, peace be upon her, Qom, Dom. [In Arabic]
- Jafari Langroudi, Muhammad Jafar (1377 AH), Terminology of Rights, Ganj Danish, Tehran. [In Persian]
- Johari, Ismail bin Hammad (1410 BC), Al-Sahhah - The Crown of the Language and the Arabic Sahih, Dar Al-Ilm Lil-Malayan, Beirut. [In Arabic]
- Haeri, Sayyid Ali bin Muhammad Tabatabai (1418 BC), Riyad al-Mas'il, Founder of Aal al-Bayt, Qom. [In Arabic]
- Halabi, Ibn Zahra, Hamza bin Ali Hosseini (1417 BC), rich in inclination to knowledge of principles and branches, founder of Imam Sadiq, Qom, first. [In Arabic]
- Hilli, Ibn Idris, Muhammad bin Mansur bin Ahmed (1410 BC), Al-Sara'ir Al-Hawi to edit fatwas, Islamic publications book, Qom, Dom. [In Arabic]
- Hilli, Yahya bin Saeed (1405 BC), Al-Jami' al-Shara'i', Sayyid al-Shuhada Scientific Foundation, Qom, first. [In Arabic]
- Hilli, Jamal al-Din, Ahmad bin Muhammad Asadi (1410 BC), al-Muqtasir from Sharh al-Mukhtasar, Islamic Research Academy, Mashhad, first, [In Arabic]
- Hilli, investigator, Najm al-Din, Jaafar bin Hassan (1408 BC), Islamic laws in matters of permissible and forbidden, Ismailian Foundation, Qom, Dom. [In Arabic]

- Hilli, Miqdad bin Abdullah Sayyuri (1404 BC), the wonderful revision of Mukhtasar al-Shara'i', Publications of Kitabkhana Ayatollah Marashi Najafi, Qom, first.[In Arabic]
- Hilli, Allamah, Hasan bin Yusuf bin Mutahhar Asadi (1410 BC), Guiding Minds to the Rulings of Faith, Islamic Publications Notebook, Qom, First. [In Arabic]
- \_\_\_\_\_ (1413 BC), Rules of rulings in knowing what is permissible and what is forbidden, Islamic Publications Notebook, Qom, first. [In Arabic]
- \_\_\_\_\_ (1413 BC), Different Shiites in the Rulings of Sharia, Islamic Publications Notebook, Qom, Dom. [In Arabic]
- \_\_\_\_\_ (1411 BC), Insight of the Learned about the Rulings of Religion, founded by Jaab and published by Zara Farhang and Islamic guidance, Tehran, first.[In Arabic]
- Hilli, Fakhr al-Muhaqqiqin, Muhammad bin Hassan bin Yusuf (1387 BC), Clarifying the benefits in explaining the problems of grammar, Ismailian Foundation, Qom, first. [In Arabic]
- Khomeini, Seyyed Ruhollah Mousavi (Beta), Tahrir al-Wasilah, Founder of Dar al-Ilm Publications, Qom, first. [In Arabic]
- Khwansari, Sayyid Ahmad bin Yusuf (1405 BC), Jami' al-Madarik fi Sharh Mukhtasar al-Nafi', Founded by Ismailian, Qom, Dom. [In Arabic]
- Khoyi, Sayyid Abu al-Qasim Musawi (1410 BC), Completion of the Minhaj, published by Madinat al-Ilm, Qom, 28. [In Arabic]
- \_\_\_\_\_ (1422 BC), Buildings for the Completion of the Minhaj, Foundation for Reviving the Works of Imam Al-Khoei, Qom, first. [In Arabic]
- Al-Dujaili, Khawla Shaker (1379 A.H.), Bayt al-Mal, Bidāsh and the transformations of Aḥan; Translated by Sayyed Muhammad Sadiq Arif, Bunyadpjawshahi-e-Islami, Mashhad. [In Persian]
- Dailami, Salar, Hamza bin Abdul Aziz (1404 BC), Al-Alawi ceremonies and prophetic rulings, Al-Haramain Publications, Qom, first. [In Arabic]
- Ragheb Isfahani, Hussein bin Muhammad (1412 BC), Vocabulary of the Words of the Qur'an - Dar Al-Qalam - Dar Al-Shamiya, Beirut, Damascus. [In Arabic]
- Rouhani, Sayyid Muhammad Hosseini (1420 BC), The Ascent to the Highest Jurisprudence - The Book of Options, Galilee Foundation for Cultural Investigations, Tehran, first.[In Arabic]

Rouhani, Sayyid Sadiq Hosseini (1412 A.D.), Jurisprudence of Sadiq, peace be upon him, Dar Al-Kitab, School of Imam Sadiq, peace be upon him, Qom, first.

\_\_\_\_\_ (Beta), Minhaj al-Salihin, Bija (Narm Afzar Noor) [In Arabic]

Sabzwari, Sayyid Abd al-Ala (1413 BC), Muhaddhid al-Ahkam, founder of Al-Manar, Hazrat Ayatollah's Notebook, Qom, Chaharm.[In Arabic]

Sharif Mortada, Ali bin Hussein Mousavi (1417 BC), Nasiriyyat Issues, League of Culture and Islamic Relations, Tehran, first. [In Arabic]

\_\_\_\_\_ (1415 BC), Al-Intisar fi Infradat Al-Imamiyyah, Islamic publications book, Qom, first.[In Arabic]

Shabiri Zanjani, Sayyid Musa (1430 BC), Treatise on Clarifying Issues, Salsabil Publications, Qom, first. [In Persian]

The first martyr, Muhammad bin Makki Ameli (1417 BC); Sharia Lessons in Imami Jurisprudence, Islamic Publications Notebook, Qom, Dom. [In Arabic]

\_\_\_\_\_ (1410 BC), Al-Lam'a Al-Dimashqiyya fi Jurisprudence of the Imamiyyah, Dar Al-Turath - Dar Al-Islamiyyah, Beirut. [In Arabic]

A second martyr, Zayn al-Din Ibn Ali Ameli (1413 BC), Paths of Understanding to Revise the Laws of Islam, Islamic Knowledge Foundation, Qom. [In Arabic]

\_\_\_\_\_ (1410 BC), Al-Rawdah Al-Bahiyya fi Sharh Al-Lam'a Al-Dimashqiyyah, written by Faroushi Dawri, Qom. [In Arabic]

\_\_\_\_\_ (1422 BC), Hashiyat al-Mukhtasar al-Nafi', Publications of the Islamic Notifications Book, Qom, first. [In Arabic]

Safi Gholpayegani, Lutfullah (1417 BC), Jami' al-Ahkam, publications of Hazrat Masumeh, peace be upon her, Qom, Chaharm.[In Arabic]

Sadr, Sayyid Muhammad (1420 BC), Beyond Jurisprudence, Dar Al-Adwaa for Printing, Publishing and Distribution, Beirut, first.[In Arabic]

Sadr Haj Saydjavadi, Ahmad and Khorramshahi, Bahaa al-Din and Fani, Kamran (1386 AH), Deira al-Marv Shiites, published by Shahid Saeed Mohebi, Tehran.[In Persian]

Saduq, Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali (1406 BC), The Reward of Deeds and the Punishment of Deeds, Dar Al-Sharif Al-Radi for Publishing, Qom, Dom. [In Arabic]

- \_\_\_\_\_ (1418 BC), Al-Hidaya fi Al-Usul wa Al-Furoo', founded by Imam Hadi, peace be upon him, Qom, first. [In Arabic]
- \_\_\_\_\_ (1385 AH), Illal al-Shara'i', Kitab Faroushi Dawari; Qom, first. [In Arabic]
- \_\_\_\_\_ (1413 BC), Man La Yahdrahu Al-Faqih, Islamic Publications Notebook; Qom, Dom. [In Arabic]
- Saimari, Muflih bin Hassan (Hussein) (1408 BC), Summary of the Disagreement and Conclusion of the Disagreement - Muntakhab Al-Khilaf, Publications of the Kitabkhana of Ayatollah Marashi Najafi, Qom, first. [In Arabic]
- Tabarsi, Amin al-Islam, Fadl ibn Hassan (1410 BC), The Compound of the Disagreements Among the Imams of the Salaf, Islamic Research Academy, Mashhad, first. [In Arabic]
- Trabulsi, Ibn Baraj, Qadi, Abd al-Aziz (1406 BC), al-Muhadhdhab, an Islamic book of publications, which included the seminary of Qom, Qom, first. [In Arabic]
- Tarihi, Fakhr al-Din (1416 BC), Bahrain Complex, book by Faroushi Mortazavi, Tehran, Sum. [In Arabic]
- Tusi, Abu Jaafar, Muhammad bin Hassan (1400 BC), Al-Nihayah fi Mere al-Fiqh wa al-Fatawa, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut, Doum. [In Arabic]
- \_\_\_\_\_ (1390 BC), Al-Istibsar regarding the differing reports, Publisher: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah; Tehran, first. [In Arabic]
- \_\_\_\_\_ (1407 BC), Tahdheeb al-Ahkam, investigation of Khurasan, Tehran, Chaharam. [In Arabic]
- \_\_\_\_\_ (1387 AH), Al-Mabsoot fi Fiqh al-Imamiyyah, Al-Murtazawiyyah Library for the Revival of Jaafari Antiquities, Tehran. [In Arabic]
- Tusi, Muhammad ibn Ali ibn Hamzah (1408 BC), The Means to Attaining Virtue, Publications of Kitabkhana Ayatollah Marashi Najafi, Qom, first. [In Arabic]
- Ameli, Hur, Muhammad bin Hassan (1409 BC), Wasa'il al-Shi'a, Ahl al-Bayt Foundation, peace be upon them, Qom, first. [In Arabic]
- Ameli, Sayyid Jawad bin Muhammad Hosseini (1419 BC), Miftah al-Karama fi Sharh al-'Allamah Rules, Islamic Publications Notebook, Qom, first. [In Arabic]

- Fadel Lankarani, Muhammad (1421 BC); Detailing the Sharia in explaining the liberation of the means; Al-Qisas, Imams of Purification Jurisprudence Center, Qom, first. [In Arabic]
- Fadel Hindi, Muhammad bin Hassan (1416 BC), Uncovering the Rules of Rulings, Islamic Publications Notebook, Qom, first. [In Arabic]
- Farahidi, Khalil bin Ahmed (1410 BC), Kitab al-Ain, published by Hijrat, Qom, Dom. [In Arabic]
- Faiz Kashani, Muhammad Mohsen (Beta), Mafatih al-Shari'a, Publications of Kitabkhana Ayatollah Marashi Najafi, Qom, first. [In Arabic]
- Kabli, Muhammad Ishaq Fayyad (Beta), Minhaj al-Salihin, Bija. [In Arabic]
- Kulaini, Muhammad bin Yaqoub (1429 BC), Kafi, Dar al-Hadith, Qom, first. [In Arabic]
- Majlisi, Muhammad Taqi (1406 BC), Rawdat al-Muttaqin fi Sharh Min La Yahdurah al-Faqih, Farhangi Islami Foundation, Kushanpur, Qom, Dom. [In Arabic]
- Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1420 BC), Al-Waizah fi Al-Rijal, Zarat Farhang and Irshad-e-Islami, Tehran, first. [In Arabic]
- \_\_\_\_\_ (1404 BC), Mirror of Minds in Sharh Akhbar Ahl al-Rasul, Tehran, Dom. [In Arabic]
- \_\_\_\_\_ (1406 BC), Malaz al-Akhyr fi Understanding Tahdheeb al-Akhbar, Kitab Khana by Ayatollah Marashi Najafi, Qom, first. [In Arabic]
- Second investigator, Ali bin Hussein Karaki Ameli (1414 BC), Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qa'id, Founder of Aal al-Bayt, Qom. [In Arabic]
- Marashi Najafi, Sayyed Shihab al-Din (1415 BC), Retaliation in the Light of the Qur'an and Sunnah, Publications of the Book of Ayatollah Marashi Najafi, Qom, First, [In Arabic]
- Motahhari, Mortada (Beta), Jurisprudence and Law (Collection of Antiquities), Qom - Iran, Awal, Bija. [In Persian]
- Mufid, Muhammad bin Muhammad (1413 BC), Al-Muqannah, Kangarh Jahani Hazara Sheikh Mufid, Qom, first. [In Arabic]
- Montazeri, Hossein Ali (1429 A.D.), Islamic Studies and Human Rights, Dark Circle, Argwan Danish, Qom, first.
- Makarim, Nasser (1427 BC), new fatwas (Makarem), publications of the school of Imam Ali bin Abi Talib (peace be upon him), Qom, Dom. [In Persian]
- Najafi, Muhammad Hassan (1404 BC), Jawahir al-Kalam fi Sharah al-Islam, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut. [In Arabic]

Najafi, Kashif Al-Ghita, Ahmad bin Ali bin Muhammad Reda (1423 BC), The Ark of Salvation, the Light of Guidance, and the Misbah of Saadat, the founder of Kashif Al-Ghita, Najaf Ashraf, first. [In Arabic]

Vahid Khorasani, Husayn (1428 BC), Minhaj al-Salihin, Madrasa of Imam Baqir, peace be upon him, Qom, Panjam. [In Arabic]

**استناد به این مقاله:** فارسی مدان، علی؛ شریفی، عنایت. (۱۴۰۲). بازساخت فقهی پرداخت دیه در موارد خاص از بیت‌المال، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۲(۴۴): ۲۷۲-۲۳۳. doi: 10.22054/jclr.2024.66037.2446



**Criminal Law Research** is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

